

# دختران پرسپولیسی هم آزادی را دیدند

**درهای تمام استادیومها در تمام شهرها باید به روی زنان باز شود**

دومین تجربه حضور زنان در استادیوم در بازیهای لیگ غروب چهارشنبه رقم خورد. طبق اعلام مقامات رسمی بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ زن و طبق گفته حاضرین بیش از دو هزار زن بازی پرسپولیس و صنعت نفت آبادان را از نزدیک در استادیوم آزادی تماشا کردند. چند روز قبل از این اتفاق زنان هوادار استقلال در بازی این تیم مقابل مس کرمان برای نخستین بار در لیگ وارد استادیوم شده بودند. حضور زنان طرفدار سرخابیهای پایتخت در [ورزشگاه آزادی](#) تصاویر بی‌نهایت زیبایی خلق کرد که هنوز در شبکه‌های اجتماعی در حال دست به دست شدن است.

حال که بعد از دهه‌ها محرومیت و محدودیت دو بار در فاصله چند روز زنان بدون بروز هیچ‌گونه حاشیه‌ای و در کمال آرامش وارد ورزشگاه شدند و سپس به خانه برگشتند، آن‌هم با تجربه‌ای عمیقاً لذت‌بخش و همچنین بعد از نگارش متن‌های احساسی پیرامون این اتفاق و خالی شدن هیجان‌ات، می‌توان سراغ بحث‌های منطقی در این رابطه رفت و سوالات مهمی را پیش کشید. سوالاتی که این روزها هر هوادار فوتبالی از خودش می‌پرسد.

**سوال اول** که مقامات برگزارکننده بازی و تصمیم‌گیران باید به آن پاسخ دهند مساله کمیت است. با فرض اینکه بار اول و در بازی استقلال قرار بود ورود زنان به استادیوم تست شود و در بار دوم تلاش شد این آزمون برای مطمئن شدن از نتایج آن بار دیگر تکرار شود، از بازی‌های بعدی باید تعداد صندلی برابر با مردان در اختیار زنان قرار بگیرد. شاید برخی تندروها و مخالفان ورود زنان به استادیومها بگویند این زیاده‌خواهی است و حتی مدعی شوند «ما که گفته بودیم اگر ۵۰۰ زن را به استادیوم راه بدهید اینها بیشتر و بیشتر می‌خواهند»، شاید مقامات برگزارکننده بازی از ذکر چنین اعدادی بترسند و با خودشان فکر کنند چطور میشود چند هزار زن را در ورزشگاه آزادی راه داد و شاید برخی محافظه‌کاران لب و دهن بگزند که یعنی الان وقت پیش کشیدن چنین درخواست‌هایی نیست و بهتر است اجازه بدهیم همین تعداد به تثبیت برسد بعد بحث افزایش ظرفیت را مطرح کنیم. با این حال نگاه منطقی به ورود زنان به استادیوم نشان می‌دهد نه دلوپسرها باید نگران باشند نه محافظه‌کاران و نه

مقامات برگزارکننده بازی. اگر دو هزار زن می‌توانند بدون مشکل وارد استادیوم شوند چند هزار نفر هم می‌توانند. اینکه عده‌ای فکر کنند افزایش تعداد زنان کنترل آنها را ناممکن می‌کند درست نیست. افزایش تعداد زنان باعث نمی‌شود پوشش آنها متفاوت شود. پوشش چند هزار زن در استادیوم همان پوشش دو هزار نفر است در ابعادی وسیع‌تر. ممکن است گفته شود هنوز امکانات در استادیوم به اندازه پذیرایی از چند هزار نفر فراهم نیست. به اعتبار اظهارات شاهدان عینی با وجود اینکه سال‌ها بحث زیرساخت‌ها برای ورود زنان به استادیوم مطرح بود، امروز که دو بار آنها توانسته‌اند وارد ورزشگاه شوند امکانات خاصی برای آنها فراهم نشده. صرفاً یک مسیر مجزا در نظر گرفته شده که می‌تواند به چند مسیر مجزا افزایش پیدا کند، وگرنه از نظر امکاناتی نظیر بوفه و سرویس بهداشتی و آبخوری و... زنان همان شرایط مردان را دارند که استانداردی بسیار پایین است.

مساله بعدی گسترش استادهای مطرح شده برای سوال دوم هم به صورت کامل صدق می‌کند. ورود زنان به استادیوم باید به سرعت گسترش پیدا کند. تافته جدا بافته کردن تهران از سایر شهرستان‌ها نه صورت خوبی دارد و نه معنای درستی به مردم جامعه منتقل می‌کند. پیش از شروع هفته چهارم لیگ بسیاری از باشگاه‌ها با اشاره به حضور زنان در بازی استقلال و مس کرمان درخواست ورود زنان هوادار را به فدراسیون و سازمان لیگ و ارگان‌های مربوطه ارسال کردند که همگی جواب منفی گرفتند. با توجه به تمام استدلال‌های بالا و مخصوصاً تاکید روی مبحث زیرساخت که مشخص شده نه امری فضایی و غیرقابل دسترس است و نه کار شاقی، ورود زنان به سایر استادیوم‌های کشور هم باید از همین هفته در دستور کار قرار بگیرد. زنان شهرستان نباید نسبت به زنان پایتخت احساس تبعیض پیدا کنند. نباید ورود به ورزشگاه هم برود در لیست امکاناتی که فقط پایتخت‌نشین‌ها دارند. ورزش و مخصوصاً فوتبال به خاطر ارتباط با عامه مردم از بزرگ‌ترین شهرها تا کوچک‌ترین روستاها اینقدر محبوب شده و نباید گره بخورد با سیاست‌های مرکزگرا. زنان طرفدار تراکتور، زنان طرفدار ملوان و نساجی، زنان طرفدار سپاهان و فولاد و خلاصه همه تیم‌های لیگ باید بتوانند همانند زنان طرفدار استقلال و پرسپولیس وارد ورزشگاه شوند و تیم محبوبشان را تشویق کنند. وقتی دو تجربه موفق حضور زنان سرخابی در ورزشگاه آزادی و البته قبل‌تر از آن در بازی‌های ملی وجود دارد دست‌دست‌اصلاً جایز نیست.

از همه اینها مهم‌تر تجربه‌هایی است که نشان می‌دهد تصمیماتی که در ابتدا تنها قرار بوده به شکل آزمایشی و مقطعی اجرا شود، بعد از

مدتی تبدیل به يك رویه غیرقابل تغییر شده است. پس بهتر است از همین ابتدا مرحله گذار پشت سر گذاشته شود. تمام دلواپسها و محافظه کارها و مقامات مطمئن باشند برخورد راحت با این مساله همه چیز را حل می کند. کافی است ورود زنان به استادیوم در ابعاد وسیع تر و شهرهای بیشتر صورت بگیرد و چند وقت بعد ببینند، این اتفاق آن قدر عادی شده که دیگر کسی در موردش حتی حرفی نمی زند. اما همان طور که سالها محدودیت کامل، حق طبیعی زنان را تبدیل به يك مطالبه کرد و حاشیه ها و داستان های بزرگی ساخت، این آزادی قطره چکاني هم می تواند در دسرهای خودش را داشته باشد. لطفا با توجه به همین دو تجربه موفق که هم مقامات داخلی را راضی کرد و هم تشویق [فیفا](#) را به دنبال داشت و هم مردم را سر ذوق آورد، بگذارید این ماجرا يك بار برای همیشه تبدیل به يك امر عادی شود. تمام امکانات مورد نیاز از قبیل حمل و نقل و مسیرهای مجزا و این چیزها در عرض يك هفته قابل دستیابی است. تنها می ماند يك تصمیم بزرگ و شجاعانه.

\*روزنامه اعتماد/5294